

## فصل هفتم در میزان مهریه کابین

در کتاب اقدس نازل قوله تعالی:

"لا يحقّق الصّهار<sup>1</sup> الاّ بالأمهّار<sup>2</sup> قد قدرّ للمدن تسعة عشر مثقالا من الذهب الأبريز و للقرى من الفضّة و من اراد الزيادة حرّم عليه ان يتجاوز عن خمسة و تسعين مثقالا كذلك كان الأمر بالعزّ مسطورا." (بند ۶۶)

و در لوح مرحوم حاجی واعظ<sup>3</sup> قزوینی از قلم مرکز پیمان جلّ ثنائه نازل شده قوله العزیز:

"از مهریه سؤال نموده بودی، این از احکام حضرت اعلی است بکتاب اقدس تجدید شده است. و آن این است که اهل مدن باید طلا بدهند و اهل قری فضّه و این بسته باقتدار زوج است. اگر فقیر است یکواحد میدهد و اگر اندک سرمایه دارد دو واحد میدهد، اگر با سر و سامانست سه واحد میدهد، اگر از اهل غنا است چهار واحد میدهد و اگر در نهایت ثروت است پنج واحد میدهد. فی الحقیقه بسته باتّفاق میان زوج و زوجه و ابوین است، هر نوع در میان اتّفاق حاصل شود مجری گردد...."

در رساله سؤال و جواب نازل:

"سؤال - در مهر اهل قری که فضّه تعیین شده باعتبار زوج است یا زوجه یا هر دو و در صورت اختلاف که یکی شهری و دیگری از قری باشد چه باید کرد؟  
جواب - مهر باعتبار زوج است اگر از اهل مدن است ذهب و اگر از اهل قری است فضّه."

۲ - در مهریه ساکنین قصبات حضرت ولیّ امرالله جلّ سلطانه میفرمایند قوله الأعلی:

1 صهار: دامادی

2 امهّار: کابین‌ها

3 حاج واعظ قزوینی موسوم بشیخ محمد ابراهیم از دوران صباوت بر اثر آبله جهان بینش تاریک شد و با همان حال محفوظات بسیار تحصیل نمود و در لاهیجان بتصدیق امر فائز و بواسطه معاندت اعدا مجبور بمهاجرت بقزوین شده، سفرهای تبلیغی در ایران فرمود. الواح بسیار دارد. قریب صد سال از عمرش میگذشت که در یوم دوشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۱۸-۱۱ شهر العزّة ۹۶ در قزوین صعود فرمود و در گلستان جاوید مدفون گردید. رحمة الله علیه

"آنچه در خصوص مهریه برای اهالی قصبات معروض داشته و کسب تکلیف نموده بودند در محضر مبارک معلوم شد فرمودند بنویس تعیین قطعی موقف اهالی قصبات در اقلیم ایران از وظایف مخصوصه محفل ملی بهائیان ایرانست." مطابق امر مبارک محفل مقدّس ملی ایران در تاریخ بهمن ماه ۱۳۱۴ چنین تصمیم گرفت که اهالی قصبات در حکم ساکنین قری بایستی محسوب شوند و در ادای مهریه چون اهالی دهات رفتار نمایند (نقل از مراسله محفل مقدّس ملی ایران نمره ۶۷۵ مورّخه ۹۴/۱۳/۶ = ۱۳۱۶/۸/۱۸ که در جواب سؤال نگارنده این رساله مرقوم و ارسال فرموده‌اند).

#### در رساله سؤال و جواب نازل:

"سؤال - میزان شهری و دهاتی بچه حدّ است هر گاه شهری هجرت بده نماید و یا دهاتی هجرت بشهر کند و قصد توطن نماید حکمش چگونه است و کذلک محلّ تولّد میزانشست یا نه؟  
جواب - میزان توطن است هر جا وطن نماید مطابق حکم کتاب رفتار شود."

۴ - شهری و دهاتی میتوانند بدرجه اولی که نوزده مثقال نقره است در مهریه اکتفا کنند. در کتاب اقدس نازل  
قوله تعالی:

"و الذی اقتنع بالدرّجة الأولى خیر له فی الکتاب انّه یغنی من یشاء باسباب السّموات و الأرض و کان الله علی کلّشیء قدیراً." (بند ۶۶)

و در رساله سؤال و جواب مذکور است:

"سؤال - از مهر

جواب - در مهر اقتناع بدرجه اولی، مقصود از آن نوزده مثقال نقره است."

و در لوح زین المقرّبین میفرمایند قوله جلّت عظمته:

"آنچه در بیان نازل شده در اهل مدن و قری همان مجری و ممضی است، ولیکن در کتاب اقدس ذکر درجه اولی شده و مقصود از درجه اولی نوزده مثقال فضّه است که در باره اهل قری در بیان نازل شده و این احبّ است عند الله در صورتیکه طرفین قبول نمایند چه که مقصود رفاهیت کلّ و وصلت و اتّحاد ناس است. لذا

هر چه در این امورات مدارا شود احسن است. انشاء الله باید اهل بهاء با کمال محبت و صفا با یکدیگر معامله و معاشرت نمایند."

و در توقیع جناب آقا میرزا اسدالله فاضل<sup>4</sup> مازندرانی از یراعه مبارک مولای توانای مهربان نازل قوله الأُحلی: "راجع بمهر ذهب در مدن فرمودند در کتاب اقدس میفرمایند قناعت بدرجه اولی یعنی نوزده مثقال نقره احسن و اولی لذا محدود نمودن مهر بذهب در مدن جائز نه."

(متحد المال محفل مقدس روحانی ملی ایران نمره ۱۲۸ مورّخه ۱/۵/۹۷=۱۵/۳/۱۳۱۹)

---

<sup>4</sup> جناب فاضل مازندرانی موسوم بمیرزا اسدالله ابن میرزا محمود بن آقا رسول اصفهانی ساکن بابل (بارفروش) از ناشرین نفحات الله بود و پس از تصدیق امر بخدمت شریعت الله پرداخت و سفرهای تبلیغی بسیار بخارج و داخل ایران فرمود و در سنّ متجاوز از هفتاد در روز پنجم دیماه سال ۱۳۳۶ هجری شمسی مطابق ۲۶ دسامبر ۱۹۵۷ میلادی در خرمشهر بملکوت ابهی صعود فرمود و جسدش را با هواپیما باهواز برده دفن کردند. الواح متعدده بافتخارش نازلشده و از آثارش که منتشر شده جلد سوّم ظهور الحقّ و قسمت اول مجموعه امر و خلق است. علیه رضوان الله (۱) بکتاب بیان مبارک باب سابع از واحد سادس مراجعه شود.